



Differences in Charitable Acts in Three Human Communities: Provincial Capital, City, and Village

Hamzeh Nozari 

1. Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, University of Kharazmi, Tehran, Iran.
Email: hnozari@khu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	The act of charity is crucial due to its significance in the formation and development of charitable centers, resilience, trust, and social solidarity and cohesion. It is a prime example of altruism, cooperation, and participation. This study examined the variations in charitable behavior at the national level. The research method involves the secondary analysis of data from a national survey that examines the inclination of Iranians to donate to charity. This census was conducted in 1402 with a statistical population of over 10,000 individuals in 31 provinces of the country. The type of research validity is theoretical and formal validity. The data indicates that there is a substantial disparity in charitable behavior. Urban residents engage in a greater amount of voluntary charitable activity than their counterparts in rural areas and provincial centers. The results also indicate that, in contrast to expectations, rural residents are more likely to exhibit benevolence than their counterparts in urban and provincial centers. We are unable to accept approaches that assert that behaviors become more individualistic, more universal, less volunteer work, and more financial and monetary relationships as we transition from a human society with less material and moral density to a human society with more material and moral density, as evidenced by the results of this research. In order to comprehend and scrutinize the disparity in philanthropic behavior, it is imperative that we transcend the dichotomous stereotype of rural-urban
Article history: Received: 26 June 2025 Received in revised form: 15 August 2025 Accepted: 26 August 2025 Published online: 29 December 2025	
Keywords: Charitable, Human Society, Individualism, Monetary Relations, Volunteer Work.	

Cite this article: Nozari, H. (2025). Differences in charitable acts in three human communities; provincial capital, city, and village. *Community Development (Rural–Urban)*, 17 (2), 247-266.

<https://doi.org/10.22059/jrd.2025.397609.668931>



© Author(s) retain the copyright.

Publisher: University of Tehran.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.397609.668931>

تفاوت عمل خیرخواهانه در سه اجتماع انسانی:

مرکز استان، شهرستان و روستا

حمزه نوذری

۱. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: hnozari@khu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۵/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۸ کلیدواژه‌ها: اجتماع انسانی، خاص‌گرایی، رفتار نیکوکاری، کار داوطلبانه، مناسبات پولی.	خیرخواهی و نیکوکاری یکی از مصداق‌های مهم نوع‌دوستی، همکاری و مشارکت تلقی می‌شود. رفتار خیرخواهانه به دلیل اهمیت آن در همبستگی و انسجام اجتماعی، تاب‌آوری، اعتماد و همچنین شکل‌گیری و توسعه مراکز خیریه اهمیت اساسی دارد. بیشتر تحقیقات در حوزه خیرخواهی بر نقش و جایگاه خیریه‌ها متمرکز بوده است. این پژوهش تفاوت رفتار خیرخواهانه را در سطح ملی در سه اجتماع انسانی، روستا، شهر و مرکز استان تحلیل کرده است. پژوهش تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ملی گرایش مردم ایران به نیکوکاری است. این پیمایش در سال ۱۴۰۲ و با جامعه آماری بیش از ۱۰ هزار نفر در ۳۱ استان کشور انجام شده است. اعتبار تحقیق از نوع اعتبار نظری و صوری است. داده‌ها نشان می‌دهد تفاوت معناداری در رفتار خیرخواهانه وجود دارد. اهالی شهرستان بیش از روستاییان و ساکنان مراکز استان کار داوطلبانه خیرخواهانه انجام می‌دهند. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد برخلاف انتظار، فردی‌بودن عمل خیرخواهی در میان روستاییان بیشتر از اهالی شهرستان و مراکز استان‌ها است. براساس نتایج این پژوهش نمی‌توان رویکردهایی را پذیرفت که معتقدند هرچه از اجتماع انسانی با تراکم مادی و اخلاقی کمتر به سوی اجتماع انسانی دارای تراکم مادی و اخلاقی بیشتر حرکت کنیم، رفتارهای خیرخواهی فردگراتر، عام‌گراتر، کار داوطلبانه کمتر و مناسبات مالی و پولی بیشتر می‌شود. باید از کلیشه دوقطبی روستا-شهر برای فهم و تحلیل تفاوت رفتار در حوزه خیرخواهی فاصله گرفت.

استناد: نوذری، حمزه (۱۴۰۴). تفاوت عمل خیرخواهانه در سه اجتماع انسانی: مرکز استان، شهرستان و روستا. توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۱۷ (۲)، ۲۴۷-۲۶۶.
<https://doi.org/10.22059/jrd.2025.397609.668931>



© نویسنده(گان) حق نشر را حفظ می‌کنند.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.397609.668931>

۱. مقدمه و بیان مسئله

جامعه‌شناسی برای فهم جامعه جدید در قرن نوزدهم و در گفتگوی اقتباسی و انتقادی با علوم دیگر از جمله اقتصاد شکل گرفته است (نوذری، ۱۴۰۳). فهم و تحلیل فردگرایی، منفعت‌طلبی، بازار، همبستگی، تعاون و همکاری در دنیای جدید، از مهم‌ترین مناقشات بین این دو علم بوده است. در علم اقتصاد متعارف، همکاری و همبستگی با پیگیری منفعت شخصی و در فرم رقابت و مبادلات بازاری و به صورت دست نامرئی ممکن می‌شود. به عبارت دیگر، این خودخواهی است که موجب خیرخواهی می‌شود (سوئدبرگ، ۱۳۹۷: ۳۶). اما در جامعه‌شناسی، همبستگی، همکاری و نوع‌دوستی گونه دیگری فهم و درک می‌شود. دورکیم در کتاب *تقسیم‌کار اجتماعی* (۱۳۸۱) ضمن اینکه برای فردگرایی ارزش قائل بود و اساس جامعه جدید را فردگرایی تمایز یافته می‌دانست، درک متفاوتی از فردگرایی نسبت به علم اقتصاد داشت. فردگرایی دورکیمی، فردگرایی در ارتباط با جامعه بود؛ درحالی که فردگرایی علم اقتصاد، مقدم بر جامعه و ذره‌انگارانه است که فرد برای منفعت شخصی وارد تعامل با دیگران می‌شود. در میان جامعه‌شناسان، همکاری و فهم رابطه متقابل بر رقابت مقدم است و رقابت بخشی از کنش متقابل افراد است، اما در علم اقتصاد، رقابت مقدم و مرجح است. مارکس نیز در آثارش از جمله *مقدمه گروندریسه* فردگرایی علم اقتصاد را نقد می‌کند و فردگرایی تاریخی و اجتماعی را مبنا و شروع مناسبی برای تحلیل می‌داند (مارکس، ۱۳۷۵: ۳). وی در آثار دیگرش نیز از انسان نوعی یا همان اجتماعی سخن می‌گوید که در دنیای سرمایه‌داری از سایرین و اجتماع بیگانه شده است. همین فردگرایی اجتماعی است که از نظر دورکیم نوع‌دوستی را ممکن می‌کند و در همه جوامع رفتار نیکوکارانه وجود داشته است. هرچند شکل و صورت متفاوتی با توجه به نوع جامعه داشته است. مارکس در کتاب *سرمایه* معتقد است همکاری و تعاون اعضای جامعه است که بارآوری بیشتری ایجاد می‌کند (مارکس، ۱۳۷۸: ۴۷۱). جامعه‌شناسان مکتب مبادله نیز پژوهش‌های متعددی درباره هدیه‌دادن و نوع‌دوستی و نقش آن در حیات اجتماعی انجام داده‌اند. به هر حال یکی از اشکال نوع‌دوستی و همکاری، خیرخواهی و نیکوکاری است. رفتار خیرخواهانه و نیکوکاری به دلیل اهمیت آن در شکل‌گیری مؤسسات داوطلبانه و خیریه، افزایش مشارکت در جامعه، بازتوزیع درآمد و تأثیر بر سیاست‌های دولت مورد توجه است (نهضتی و همکاران، ۱۳۹۱).

خیرخواهی و نیکوکاری یکی از مهم‌ترین مصداق‌های نوع‌دوستی، مشارکت و همکاری در جامعه تلقی می‌شود. این رفتار خیرخواهانه است که سازمان‌های مردم‌نهاد مانند سمن‌ها و خیریه‌ها را شکل و توسعه می‌دهد و حل مسائل جامعه در گروه همکاری و مشارکت بین سه بخش دولت، بازار و سازمان‌های مردم‌نهاد است. اهمیت رفتار خیرخواهانه و نیکوکاری در همبستگی و انسجام اجتماعی، تاب‌آوری اجتماعی، بهبود روابط انسانی، بهبود وضعیت آموزش و بهداشت و افزایش حس رضایت و خشنودی مورد تأکید است؛ بنابراین لازم است وجوه مختلف آن واکاوی شود. خیرخواهی فرم‌ها و شیوه‌های مختلفی دارد و از کمک مالی تا کار داوطلبانه یا تأسیس و مدیریت مرکز خیریه را شامل می‌شود. اما مسئله این است که کدام‌یک از این فرم‌ها و شیوه‌ها در سه اجتماع انسانی روستا، شهرستان و مرکز استان بیشتر وجود دارد یا برای مثال، خیرخواهی در این سه اجتماع انسانی بیشتر معطوف به آشنایان است یا غریبه‌ها را هم شامل می‌شود و بالاخره اینکه رفتار نیکوکاری در این سه اجتماع بیشتر فردی است یا جمعی.

پژوهش‌های زیادی درباره رفتار خیرخواهانه و نیکوکاری انجام شده است و با یک جستجوی ساده می‌توان به حجم زیادی از تحقیقات درباره خیریه دست یافت؛ مانند الف) رابطه خیرخواهی با دینداری (میرزایی و خلیلی، ۱۳۹۵)؛ ب) خیرخواهی در نظام آموزشی و تعلیم و تربیت (عیاری و همکاران، ۱۳۹۹؛ محمدی و همکاران، ۱۴۰۳)؛ پ) مسائل خیریه‌ها (نوذری و اسکندری‌نژاد، ۱۴۰۳؛ حسینی و کاظمی، ۱۴۰۱؛ بهار و فروغی، ۱۳۹۷)؛ ت) اهمیت و نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در روستا (عنبری و مهدی‌زاده، ۱۴۰۱؛ خسروی‌پور و اسدی، ۱۳۹۸؛ مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۷؛ جوانی و همکاران، ۱۳۹۶)؛ ث) سازمان‌های خیریه و توسعه (گنجی و همکاران، ۱۳۹۴)؛

مولایی و همکاران، ۱۴۰۳). اما این پژوهش‌ها با اینکه هریک جنبه‌های مهمی از خیرخواهی را بررسی کرده‌اند، بیشتر بر سازمان‌های خیریه متمرکز بوده‌اند تا تحلیل رفتار خیرخواهی به شکل مستقل. ضمن اینکه تحقیقی که در سطح ملی انجام شده باشد یا براساس داده‌های ملی شکل گرفته باشد و همچنین تفاوت فرم‌های رفتاری در سطح روستا، شهرستان و مرکز استان را مطالعه کرده باشد وجود ندارد. برای پاسخ به این سؤالات که فرم‌های خیرخواهی در سطح کشور و در میان روستائینان، اهالی شهرستان و مرکز استان چه تفاوت‌هایی دارد و آیا می‌توان براساس چارچوب‌های نظری قبلی تفاوت رفتاری را توضیح داد، به‌نظر می‌رسد پژوهش‌های قبلی نابسند است. این پژوهش برای پرکردن این نابسندگی شکل گرفته است.

این پژوهش براساس داده‌های پیمایش ملی گرایش مردم ایران به نیکوکاری (۱۴۰۲) انجام شده است. در این پیمایش ملی عنوان تفاوت رفتار خیرخواهی در سه اجتماع انسانی وجود ندارد، بلکه محقق بنا بر سؤال و مسئله تحقیق به واکاوی داده‌های این پیمایش پرداخته و داده‌های پیمایش را براساس مسئله تحقیق صورت‌بندی کرده است.^۱ پژوهش حاضر به این مسئله می‌پردازد که آیا خیرخواهی و نیکوکاری مردم در سه نوع اجتماع انسانی روستایی، شهر کوچک و مراکز استان‌ها با هم متفاوت است. اگر تفاوت وجود دارد به چه شکلی است؟ آیا روستائیان آن‌گونه که در تحقیقات قبلی بیان شده عمل خیرخواهی‌شان براساس آشنائیکاری و کار داوطلبانه است و آیا نیکوکاری روستائیان نسبت به اهالی شهرستان و مراکز استان‌ها کمتر پولی و مالی است؟ در مقایسه بین شهر و روستا همیشه فرض بوده در روستا همکاری در قالب کار داوطلبانه بیشتر و مناسبات پولی و مالی کمتر باشد، اما آیا این فرضیات براساس داده‌های پیمایش ملی خیرخواهی تأیید می‌شود؟

۲. مبانی نظری پژوهش

در میان جامعه‌شناسان، این ایده جا افتاده است که هرچه اجتماع انسانی از نظر جمعیت و اخلاق متنوع‌تر و متکثرتر باشد، نگرش و رفتار افراد هم متمایزتر می‌شود؛ برای مثال انتظار می‌رود در جوامع دارای تراکم مادی و اخلاقی کمتر، رفتارهای جمع‌گرا بیشتر، فردگرایی کمتر، جهت‌گیری رفتار دگرخواهی و نیکوکاری متمرکز بر آشنائیان، خویشاوندان و نهایتاً همسایه باشد. همچنین عمل نیکوکاری و خیرخواهی در این جوامع کمتر مالی و پولی باشد. در اینکه نگرش و رفتار افراد در این دو اجتماع انسانی متفاوت است، بحث کمتری وجود دارد، اما درباره اینکه چه شکلی دارد و چگونه در خیرخواهی متجلی می‌شود، بین متفکران و پژوهشگران اتفاق نظر وجود ندارد. به عبارتی، صورت‌ها و شکل‌های متفاوتی برای تجلی جان وجود دارد (نوذری، ۱۴۰۳).

دورکیم زندگی اجتماعی را مبتنی بر دو خاستگاه روشن می‌کند: همانندی در وجدان و تمایز براساس تقسیم‌کار اجتماعی. در زندگی اجتماعی مبتنی بر همانندی، فرد در یک جمع واحد مستحیل می‌شود. درمورد دوم، فرد از همانندهای خود متمایز، اما وابسته به آن‌ها است (دورکیم، ۱۳۸۱: ۱۱۹). از نظر دورکیم، بدون دگرخواهی، خیرخواهی و نیکوکاری (ایثارهای متقابل) زندگی جمعی ممکن نیست. از نظر او، رفتار نیکوکاری در جوامع مدرن کاهش نمی‌یابد، بلکه شکل و نوع آن متفاوت می‌شود. دورکیم نه ایده هابزی را مبنی بر اینکه «خیرخواهی و دگردوستی موضوعی اخیر است و در جوامع اولیه وجود نداشته» می‌پذیرد و نه این ایده که «خیرخواهی و نیکوکاری در جوامع مدرن کاهش یافته است». «در جامعه جدید، فرد عادت می‌کند که درباره ارزش وجودی خویش، برآورد درستی داشته باشد؛ یعنی بداند که خودش چیزی غیر از جزئی از کل نیست. اندامی است در کلیت پیکره زنده. ماهیت این‌گونه احساس چنان است که نه تنها از ایثارهایی که لازمه گسترش منظم حیات اجتماعی روزمره است و هر روز در جان فرد ایجاد می‌کند، بلکه حتی در

۱. داده‌های این پیمایش که توسط دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده، به‌صورت سند در مرکز خیر ماندگار کشور وجود دارد.

فرصت‌های معینی سبب می‌شود که وی از خودگذشتگی‌های کامل و فداکاری بدون هیچ‌گونه چشمداشت داشته باشد» (دورکیم، ۱۳۸۱: ۲۰۰). پس این تصور که خیرخواهی و نیکوکاری مربوط به اجتماع انسانی قدیم یا جدید است، نادرست است. براساس دیدگاه دورکیم می‌توان گفت فقط نوع و شکل نیکوکاری در جامعه مبتنی بر باورهای مشترک و فردگرایی تمایز یافته متفاوت است. در اجتماع انسانی کوچک‌تر (نه فقط از نظر جمعیتی، بلکه از نظر تمایز یافتگی و تقسیم کار) نیکوکاری جمعی و براساس همانندی است؛ در حالی که در جامعه تمایز یافته، گرایش و رفتار خیرخواهی مبتنی بر شخصیت فردی است و تنوع بیشتری دارد. براساس رویکرد دورکیم می‌توان گفت به دلیل تغییرات ایجاد شده در حیات اجتماعی، فرد در اجتماع انسانی با تراکم مادی و اخلاقی بیشتر تا حدی آزادتر و مستقل‌تر از جامعه عمل می‌کند. در جوامع کوچک‌تر «افراد به تبع یکدیگر و به دنبال هم عمل کردند، اما اکنون هر کدام از آنان به سرچشمه‌ای از فعالیت خودانگیزخته تبدیل می‌شود» (دورکیم، ۱۳۸۱: ۳۰۸).

زیمیل در مقاله «کلان‌شهر و حیات ذهنی» و همچنین کتاب *فلسفه پول* از تفاوت زندگی و جهت‌گیری افراد در کلان‌شهر و اجتماعات کوچک‌تر سخن می‌گوید. زیمیل در *فلسفه پول* معتقد است پولی‌شدن مناسبات در دنیای مدرن ارزش‌های شخصی را از اساس تغییر می‌دهد؛ برای مثال، هم‌زمان آزادی و بی‌اعتنایی را شکل می‌دهد (زیمیل، ۱۳۹۹: ۴۱۳ و ۴۹۵). از نظر او، به دلیل زندگی پیچیده در کلان‌شهر، فرد مجبور به حسابگری، وقت‌شناسی و فردگرایی است. بی‌اعتنایی و درگیر نشدن با احساسات دیگران قابلیت‌هایی برای زندگی در کلان‌شهر پر از ستیزه، تخاصم و رقابت است. ذهن افراد در کلان‌شهرها با اقتصاد پولی و فردگرایی پیوند یافته است. انسان کلان‌شهری آن قدر مشغله دارد که فرصت برای خیرخواهی به شکل کار داوطلبانه را ندارد. چنین انسانی به احتمال زیاد خیرخواهی را به شکل فردی و مالی انجام می‌دهد؛ زیرا فرصت کار جمعی و وقت آزاد برای کار داوطلبانه ندارد. زیمیل می‌نویسد: «انسان کلان‌شهری حسابگرانه عمل می‌کند که با سرشت محفل کوچک‌تر در تضاد است. روابط کمی، حسابگرانه که کلان‌شهر آن‌ها را پرورش داده، استقلال فکری را شکل داده است» (زیمیل، ۱۳۷۲).

نظریه متغیرهای الگویی پارسونز هرچند برای بیان تفاوت دو نوع جامعه مدرن و سنتی ارائه شده، اما برخی محققان برای توضیح گرایش‌ها و رفتارهای متفاوت دو نوع اجتماع انسانی استفاده کرده‌اند. براساس این مدل می‌توان گفت در جوامع روستایی رفتارها احساسی‌تر است. افراد تمایل دارند با اعضای اجتماع خودشان معاشرت داشته باشند و به خویشاوندان و همسایگان احساس تعهد دارند (سو، ۱۳۸۶: ۳۵). براساس متغیرهای الگویی، جهت‌گیری در مناطق روستایی جمع‌گرایانه است. در مقابل، در جوامع مدرن یا تخصصی‌شده، این جهت‌گیری‌ها عکس است. نظریه پارسونز شبیه نظریه دورکیم است که در جوامع متمایز و تخصصی‌شده جهت‌گیری و رفتار افراد متفاوت است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۱۸۶). براین اساس هرچه تراکم مادی و اخلاقی و تقسیم‌کار بیشتر باشد، الگوهای رفتاری از لحاظ احساسی بی‌اعتنا، مادی‌گرا و فردگرا است. براین اساس می‌توان تفاوت این دو نوع اجتماع انسانی و تفاوت در رفتار نیکوکاری را هم صورت‌بندی کرد.

برخی متفکران با جهت‌گیری روان‌شناسی اجتماعی نگاه متفاوت‌تری به جهت‌گیری‌ها و رفتارهای روستاییان و شهرنشینان دارند. راجرز با طرح دیدگاه خرده‌فرهنگ دهقانی عنوان می‌کند که در جوامع روستایی، با بی‌اعتمادی در روابط شخصی، تقدم منافع آبی بر منافع آبی و نبود همدلی مواجه هستیم. می‌توان گفت از نگاه راجرز، روستاییان فاقد همدلی و فردگرا هستند که دیدگاه متفاوتی با نظریه جامعه‌شناسان کلاسیک است. لوئیس متفکر دیگری است که بر مفهوم فرهنگ فقر تأکید می‌کند. به نظر او روستا «روشی از زندگی است که ویژگی‌های اصلی و مهم آن، شرکت نکردن افراد فقیر در امور مؤسسات عمومی به‌عنوان یک عضو است» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۵). بن‌فیلد مهم‌ترین ویژگی‌های روستاییان را فردگرایی آن‌ها می‌داند. از نظر او، در محیط‌های روستایی اعتماد

شخص صرفاً به خانواده خود است و بی‌اعتمادی عمیقی به افراد خارج از خانواده ابراز می‌دارد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۵). لمبتون (۱۳۶۳: ۶۸۴) معتقد است روستاییان در اموری که همکاری و تعاون لازم دارد، بی‌تجربه و کار نابلند.

هم دیدگاه جامعه‌شناسان کلاسیک و هم دیدگاه متفکران توسعه روستایی دو سنخ آرمانی هستند که دو جامعه کاملاً متفاوت را ترسیم می‌کنند، یعنی دو قطب متفاوت رفتاری و نگرشی. چیزی که در روستا حاضر است، در شهر غایب است و بالعکس، اما با توجه به تغییرات سریع و گسترش فناوری‌های ارتباطی و توسعه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی نمی‌توان این دو اجتماع انسانی را به‌مثابه دو قطب کاملاً مخالف در نظر گرفت. برخلاف جامعه‌شناسان کلاسیک که معتقدند در مناطقی که تراکم مادی و اخلاقی کمتر است رفتار جمعی و داوطلبانه برای خیرخواهی بیشتر است، از نظر کسانی مانند راجرز، عمل افراد در این مناطق بیشتر فردی است. اما می‌توان تصور کرد که در روستا عمل خیرخواهانه کمتر پولی است و بیشتر کمک غیرنقدی در قالب اهدای کالا و بسته‌های معیشتی برای رفع نیازهای روزمره افراد است، یعنی تأمین کالاهای اساسی. هرچند روستا به‌شدت تغییر کرده و نگرش و رفتار روستائینان را نمی‌توان براساس مدل‌های گذشته و دوقطبی توضیح داد، اما دیدگاه جامعه‌شناسان کلاسیک و پژوهشگران توسعه روستایی، تصویری کلی از تفاوت را بیان می‌کند. به‌هرحال می‌توان تصویری از تفاوت گرایشی و رفتاری افراد در منطق روستایی و ساکن در کلان‌شهر داشت، اما باید شهرستان را نیز به آن اضافه کرد.

کمک به دیگران و نیکوکاری شکل‌های متعددی دارد: از چیزهای کوچکی مانند کمک به یک غریبه که نیازهایی دارد تا به‌خطرانداختن جان خود برای نجات کسی که در حال غرق شدن است. کمک مالی به دیگران (اعم از آشنا و غریبه) کمک مستقیم به نیازمند، کمک و منفعت‌رساندن به یک سازمان خیریه یا کار داوطلبانه بدون انتظار پاداش، همه فرم‌هایی از کمک خیرخواهانه و فعالیت نیکوکاری هستند. به‌طورکلی کمک و نیکوکاری یک رفتار اقتصاد و مالی است؛ یعنی گذشتن از منفعت شخصی است که ممکن است با اهدای پول، غذا، بسته معیشتی و کار بدون دستمزد محقق شود. بنداپودی^۱ و همکاران (۱۹۹۶) در پژوهشی با عنوان «رفتار کمک‌کننده: یک چارچوب منسجم برای ارتقای برنامه‌ریزی» خیرخواهی و رفتار نیکوکاری را چنین تعریف می‌کنند: «رفتاری که رفاه یک نیازمند را افزایش می‌دهد که معمولاً با پاداش کم و یا بدون پاداش در ازای کمک همراه است». داوطلبانه‌بودن، غیرانتفاعی‌بودن و اهداف بشردوستانه در فهم مسئله نیکوکاری اساسی است (عنبری، ۱۳۹۰: ۳۱۵).

۳. پیشینه پژوهش

با جستجو در سامانه‌های علمی و نمایه‌کننده مشخص می‌شود که بیشتر تحقیقات حوزه خیرخواهی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: الف) سازمان‌های خیریه و سمن‌ها و نقش آن‌ها در جامعه؛ ب) مسائل سازمان‌های خیریه و سمن‌ها. کمتر تحقیقی درباره رفتار خیرخواهی به شکل مستقل انجام شده است. این در حالی است که نزدیک به ۸۰ درصد افراد جامعه ترجیح می‌دهند رفتار نیکوکاری را مستقیم انجام دهند؛ یعنی به‌جای کمک به سازمان‌های خیریه، مستقیم به نیازمندان کمک کنند (پیمایش ملی گرایش مردم ایران به نیکوکاری، ۱۴۰۲). با این نگاه درباره رفتار خیرخواهی و وجوه مختلف آن پژوهشی صورت نگرفته است. همچنین درباره تفاوت رفتار خیرخواهی در سه اجتماع انسانی پیشینه‌ای وجود ندارد. پژوهش‌هایی که در ایران درباره تفاوت دو اجتماع انسانی (روستا و شهر) انجام شده بیشتر در قالب مفاهیمی مانند مشارکت، انسجام اجتماعی، توسعه روستایی و فقر است؛ برای مثال، طالب (۱۳۶۷: ۱۶۸) در ذیل مفهوم مشارکت، مشارکت داوطلبانه و ارادی روستاییان در جشن‌ها، عزاداری‌ها و ساخت و تعمیر مسجد را مورد توجه قرار

می‌دهد. ممکن است در موارد محدودی یک گویه درباره فعالیت خیرخواهی در میان سؤالات باشد که نتیجه هم این است که روستاییان فردگرا هستند. به این معنا که کمتر علاقه‌ای به مشارکت در فعالیت‌های جمعی دارند. در برخی موارد نیز نتایج نشان می‌دهد آن‌ها کماکان قوم‌گرا هستند. میدان تحقیق پژوهش‌ها شهرستان و نهایتاً استان بوده است. پیمایش‌های ملی نیز همین وضعیت را دارند. در برخی پیمایش‌ها یک یا چند سؤال درباره فعالیت نیکوکاری افراد سنجش شده، اما فقط یک پیمایش وجود دارد که گرایش و رفتار مردم ایران به نیکوکاری را سنجش کرده است. پژوهش حاضر مبتنی بر واکاوی و صورت‌بندی داده‌ها براساس مسئله تحقیق، تفاوت گرایش و عمل نیکوکاری افراد ساکن در مناطق روستایی و شهری را در سطح ملی تحلیل می‌کند.

به‌طور کلی در این حوزه می‌توان از دو نوع تحقیق نام برد: الف) پژوهش‌هایی که بر عوامل اجتماعی و اقتصادی در کمک خیرخواهانه تمرکز کرده‌اند. در این‌گونه تحقیقات، رابطه متغیرهایی مانند جنسیت، طبقه، تحصیلات، سن، نوع فعالیت، وضعیت دینداری و... با فعالیت خیرخواهی بررسی شده است (سرماک و همکاران، ۱۹۹۴؛ پسمیر و همکاران، ۱۹۷۷؛ انت و همکاران، ۲۰۲۱). این محققان اغلب به این نتیجه رسیده‌اند که تفاوت‌های معناداری بین متغیرهای اجتماعی و اقتصادی زمینه‌ای با مقدار، نوع و شکل خیرخواهی وجود دارد؛ برای مثال، طبقه متوسط بیش از دو طبقه دیگر در فعالیت‌های خیرخواهی از نوع کار داوطلبانه مشارکت دارد. برخی تحقیقات حوزه خیرخواهی و نیکوکاری را براساس جهت‌گیری و رفتار توضیح داده‌اند. در این نوع پژوهش‌ها با توجه به مفاهیمی مانند خودخواهی، همدلی، هنجارهای شخصی، ترجیحات و نگرش افراد، رفتار خیرخواهانه افراد توضیح داده شده و به این سؤال پاسخ داده شده که چرا برخی می‌بخشند و برخی خیر (وب و همکاران، ۲۰۰۰؛ برنکرانت و پیچ، ۱۹۸۲؛ باتسون، ۱۹۸۷). اکشتاین^۱ (۲۰۰۱) استدلال می‌کند که بسیاری از فعالیت‌های داوطلبانه، به‌وسیله روابط اجتماعی، تعهدات گروهی و هنجارهای فرهنگی شکل می‌گیرند. او این نوع داوطلبی را «داوطلبی جمع‌گرایانه» می‌نامد که به‌طور مستقیم توسط گروه‌ها و نهادهای اجتماعی رهبری می‌شود. داوطلبی جمع‌گرایانه برخلاف داوطلبی فردگرایانه، کمتر بر علایق شخصی افراد تمرکز می‌کند و بیشتر ریشه در تعلقات اجتماعی و هنجارهای گروهی دارد. چنین رفتاری را بیشتر می‌توان در اجتماعاتی مشاهده کرد که تراکم مادی و اخلاقی کمتری دارند.

بنابراین در تحقیقات داخلی با مسئله نابسند بودن تحلیل گرایش و رفتار خیرخواهانه افراد در سه اجتماع انسانی روستا، شهر و مرکز استان در سطح ملی مواجه هستیم و در تحقیقات خارجی نیز مسئله ناکافی بودن تحلیل تفاوت رفتار نیکوکاری در روستا، شهرستان و مراکز جمعیتی بزرگ‌تر وجود دارد. هدف این پژوهش آن است که این حفره را در فهم و تحلیل رفتار خیرخواهی در سطح ملی و در سه اجتماع انسانی تا حدی پر کند.

۴. روش تحقیق

این پژوهش از نوع تحلیل ثانویه است. پژوهش ثانویه داده‌ها را به‌طور مستقیم تولید نمی‌کند، بلکه به تحلیل مجموعه‌ای از داده‌های اولیه می‌پردازد. گاهی داده‌های اولیه در سطح ملی گردآوری شده‌اند که می‌تواند مبنای تحلیل در سطح کلان را فراهم کند. داده‌هایی که در این تحقیق به‌کار گرفته شده، از پیمایش ملی «گرایش مردم ایران به نیکوکاری» سال ۱۴۰۲ استخراج شده‌اند. پیمایش مذکور در دو موج توسط دانشگاه فردوسی مشهد با حمایت «بنیاد خیریه راهبری آلاء» انجام شده است. موج اول متعلق به سال ۱۴۰۱ و موج دوم مربوط به سال ۱۴۰۲ است. مبنای این تحقیق، داده‌های موج دوم است. در ادامه به جزئیات روش تحقیق موج دوم پرداخته می‌شود.

۴-۱. جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه آماری پیمایش تمام افراد بالای ۱۵ سال (دارای خط تلفن همراه) در همه ۳۱ استان کشور است. حجم نمونه حدود ۱۱۰۰۰ نفر را شامل می‌شود. هدف این بود که سیمای خیرخواهی در ایران توصیف شود. پس سهم نمونه هر استان به نحوی مشخص شد که تحلیل مستقل در هر استان نیز امکان‌پذیر باشد. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش آنلاین و تلفنی استفاده شد. این روش گردآوری اطلاعات در کشورهای پیشرفته متداول است و برای نظرسنجی و توصیف باورها و ترجیحات افراد جامعه استفاده می‌شود. در ایران نیز در سال‌های اخیر کم‌وبیش از این شیوه استفاده شده است. دانشگاه فردوسی مشهد که مجری پیمایش مذکور است، بیش از یک دهه است که در موضوعات مختلف اجتماعی از سامانه جمع‌آوری تلفنی و آنلاین اطلاعات استفاده می‌کند.

مجری پیمایش ملی گرایش مردم ایران به نیکوکاری بر این دیدگاه بوده که ضریب نفوذ تلفن همراه در کشور بسیار نزدیک به ۱۰۰ درصد است و فهرست شماره تلفن‌های افراد در کل کشور نیز در دسترس قرار دارد. پس می‌توان برای جمع‌آوری اطلاعات هر استان از طریق فهرست شماره تلفن‌های همراه هر استان به شیوه نمونه‌گیری تصادفی سازمان‌یافته اقدام کرد. در روش نمونه‌گیری تصادفی سازمان‌یافته، شماره تلفن‌های نمونه به صورت چند در میان از فهرست شماره تلفن‌های همراه ساکنان هر استان به گونه‌ای انتخاب می‌شود که اعضای نمونه روی همه افراد داخل استان به طور یکنواخت توزیع شود و به نوعی کلیه شماره تلفن‌های همراه آن استان پوشش داده شود (برگرفته از متن پیمایش). در این پیمایش برای تعیین سهم هر استان از حجم نمونه کل کشور، از نسبت جمعیت استان‌های کشور استفاده شد. از آنجا که لیست و تعداد افراد در دسترس بود، در این پیمایش از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای بهره گرفته شد.

در این پیمایش، مطابق محاسباتی که انجام شده، برای تعمیم‌دهی نتایج در سطح استانی و با توجه به روش نمونه‌گیری، ۱۰،۰۰۰ نمونه در برآورد نسبت شهروندان نیکوکار را با اطمینان ۹۵ درصد و کران خطای ۵ درصد فراهم می‌سازد. مجریان پیمایش برای کفایت تعداد نمونه برخی از استان‌های کم‌جمعیت، برای تعمیم‌دهی در سطح استان، به نمونه استانی تعدادی اضافه کردند و تعداد کل حجم نمونه به حدود ۱۱،۰۰۰ نفر افزایش یافت. به طور خلاصه، حجم نمونه در این پیمایش براساس نرم‌افزار تخصصی PASS تعیین شد. آمار پاسخگویان این پیمایش براساس ساکنان روستا، شهرستان و مرکز استان در جدول ۱ بیان شده است.

جدول ۱. توزیع پاسخگویان برحسب محل سکونت

محل سکونت	فراوانی مطلق	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
روستا	۱۵۶۶	۱۴/۳	۱۴/۷	۱۴/۷
شهرستان	۲۹۳۵	۲۶/۸	۲۷/۵	۴۲/۱
مرکز استان	۶۱۸۵	۵۶/۶	۵۷/۹	۱۰۰
کل معتبر	۱۰۶۸۶	۹۷/۷	۱۰۰	-
بی پاسخ	۴۲۹	۳/۳	-	-
جمع	۱۰،۹۳۵	۱۰۰	-	-

۴-۲. اعتبار پژوهش

برای سنجش اعتبار پژوهش در تحلیل ثانویه، نخست باید به این نکته توجه شود که پیمایش توسط چه کسی و چگونه انجام شده است. پیمایش ملی گرایش مردم ایران به نیکوکاری توسط دانشگاه فردوسی مشهد انجام گرفت. بیش از بیست نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه های کشور، عضو شورای علمی این پیمایش ملی بودند. دو نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه ها نیز وظیفه نظردهی علمی پیمایش را برعهده داشتند. برای اعتبار بیشتر پژوهش، از آنجا که فایل خام داده ها در دسترس نبود، دو گام دیگر برداشته شد: اعتبار نظری و اعتبار صوری. مفهوم رفتار خیرخواهانه در قالب یک متغیر قابل سنجش، عموماً ناظر به یک رفتار عینی افراد است که در یک تعریف کلی عبارت است از صرف دارایی های شخصی که رفاه فرد نیازمند را افزایش می دهد و پاداش آن کم یا بدون پاداش است. دارایی شامل پول، کالا و زمان و وقت می شود. سنجش عینی رفتار نیکوکاری و همچنین گرایش به آن شامل گرایش افراد به صرف دارایی های خود برای اهداف غیرانتفاعی است. گویه ها با گویه های پیمایش های داخلی و بین المللی مقایسه شد و برای اعتبارسنجی در اختیار دو داور قرار گرفت.

جدول ۲. مفاهیم، متغیرها و گویه های سنجش

متغیر	اجزا	معرف	گویه	گزینه ها	منبع
اشکال و انواع نیکوکاری	جزء رفتاری	نوع نیکوکاری ای که فرد انجام می دهد	لطفاً بگویید بیشتر از کدام روش های زیر کار خیرخواهانه انجام می دهید.	- اهدای غذا و کالا - کمک نقدی - کار داوطلبانه - قراردادن فضا و میزبانی از فعالیت های خیرخواهانه - تأسیس و مدیریت یک سازمان نیکوکاری	- سیمای نیکوکاری ایران - داوران
		نیکوکاری فردی یا جمعی	ترجیح می دهید کار نیکوکارانه (چه کمک مالی و چه فعالیت داوطلبانه) را به صورت فردی انجام دهید یا جمعی (مثلاً) عده ای با هم جمع شوید و یک فعالیت مالی یا غیرمالی انجام دهید؟	- فردی - جمعی	- محقق - داوران - شاخص جهانی - بخشندگی
		کمک به غریبه ها یا آشنایان (عام گرایی یا خاص گرایی در رفتار خیرخواهانه)	آیا طی یک ماه گذشته به یک فرد غریبه کمک کرده اید؟ آیا طی یک ماه گذشته به اعضای خانواده یا آشنایان خود کمک کرده اید؟	- بلی - خیر	- شاخص جهانی - بخشندگی - سیمای نیکوکاری ایران - داوران

۵. یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که بیان شد، مسئله پژوهش این است که تفاوت گرایش و عمل نیکوکاری را در اجتماعی واکاوی کند که تراکم مادی و اخلاقی متفاوت دارند. چارچوب نظری نقشه کلی مسیر را نشان داد که عبارت بود از اینکه گرایش و عمل براساس تراکم اجتماعی و جمعیتی متفاوت است. در اندیشه متفکران کلاسیک و پژوهشگران روستا، مسائلی مانند خویشاوندگرایی (خاص‌گرایی)، فردگرایی، حاکمیت پول در روابط، کار داوطلبانه و... در قالب دو قطب مخالف تعریف شده است، اما با تغییرات سریع فناوری و اقتصادی و اجتماعی، دیگر نمی‌توان به گرایش و رفتار قطبی‌شده قائل بود، اما می‌توان تفاوت را براساس یک طیف بحث کرد. به‌جای مدل دووجهی روستا-شهر، در این پژوهش برای تحلیل تفاوت رفتار خیرخواهی، از مدل سه‌وجهی اجتماع انسانی یعنی روستا، شهر و مرکز استان استفاده شد. تفاوت گرایش و رفتار نیکوکاری در چهار مسئله اصلی تحلیل شد که عبارت‌اند از: الف) روش انجام کار خیر که براساس آن تفاوت رفتاری براساس کمک مالی، اهدای غذا و کار داوطلبانه بیان می‌شود؛ ب) ترجیح برای تهیه بسته‌های معیشتی. اینکه افراد در سه اجتماع انسانی چقدر ترجیح می‌دهند از محل کمک‌های مالی آن‌ها برای تهیه بسته‌های معیشتی برای کمک به نیازمندان هزینه شود؛ پ) رفتار فردی یا جمعی در عمل نیکوکاری که تفاوت را در سه اجتماع انسانی بیان می‌کند؛ ث) جهت‌گیری خاص‌گرا یا عام‌گرا در کمک خیرخواهانه.

۵-۱. روش انجام کار خیرخواهانه و فعالیت نیکوکاری

روش‌های انجام‌دادن کار خیر و فعالیت نیکوکاری می‌تواند متعدد باشد. از کمک مالی که معمول‌ترین و جافتاده‌ترین روش انجام‌دادن کار خیر است تا دراختیارگذاشتن فضای فیزیکی و میزبانی از فعالیت‌های خیرخواهانه. همان‌گونه که در قسمت چارچوب نظری بیان شد، تصور این است که افرادی که در اجتماعی زندگی می‌کنند که دارای تراکم مادی و اخلاقی کمتر است، به احتمال زیاد عمل خیرخواهی را به شکل کار داوطلبانه و کمک غیرمادی انجام می‌دهند و هرچه به سمت مراکز دارای تراکم مادی و اخلاقی حرکت می‌کنیم، نوع فعالیت خیرخواهی تغییر می‌کند. به قول زیمل، در کلان‌شهر احتمالاً کار داوطلبانه کمتر می‌شود و شاید بیشتر افراد ترجیح دهند کمک نیکوکاری‌شان در قالب پول باشد؛ زیرا فرصت کمتری برای کار داوطلبانه یا تهیه بسته‌های معیشتی و غیرنقدی دارند.

معمولاً کمک در قالب تهیه بسته‌های غذایی و معیشتی به صورت مقطعی و بیشتر در مناسبت‌های خاص صورت می‌گیرد، اما گاهی ممکن است کمک خیرخواهانه در قالب اهدای کالاهای مصرفی بادوام برای جهیزیه صورت گیرد. با این حال پیش‌بینی می‌شود دو روش دیگر کمک خیرخواهانه یعنی دراختیارگذاشتن فضا، و تأسیس و مدیریت یک سازمان خیریه‌ای در شهرهای بزرگ‌تر بیشتر از شهرستان و روستا باشد. در این طرح ملی از پاسخگویان خواسته شده به این سؤال پاسخ دهند که بیشتر از طریق کدام یک از روش‌های زیر کار خیرخواهانه انجام می‌دهند. گزینه‌هایی که برای انتخاب در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار داده شد عبارت‌اند از: اهدای غذا و کالا، کمک نقدی و مالی، کار داوطلبانه، دراختیارگذاشتن فضا و میزبانی از فعالیت‌های خیرخواهانه، تأسیس و مدیریت یا فعالیت در یک سازمان نیکوکاری. همان‌گونه که مشخص است، در این سؤال، باور افراد مطرح نشده، بلکه پرسش از اقدام و عمل خیرخواهانه است.

جدول ۳. توصیف روش عمل نیکوکاری افراد براساس روستا، شهر و مرکز استان

محل سکونت			توصیف نظر پاسخگویان درمورد روش غالب انجام کار خیر	روش غالب انجام کار خیر
مرکز استان	شهرستان	روستا		
۹/۹	۱۳/۱	۱۰/۹	درصد	اهدای غذا یا کالا
۵۷۳	۳۶۲	۱۵۰	فراوانی	
۸۰/۳	۷۱/۷	۷۵/۸	درصد	کمک نقدی و مالی
۴۶۵۳	۱۹۷۵	۱۰۴۵	فراوانی	
۷/۵	۱۲/۴	۱۱/۸	درصد	کار داوطلبانه
۴۳۳	۳۴۱	۱۶۳	فراوانی	
۰/۹	۰/۹	۰/۶	درصد	دراختیار گذاشتن فضا
۵۱	۲۴	۸	فراوانی	
۱/۴	۱/۹	۰/۹	درصد	تأسیس و مدیریت خیریه
۸۴	۵۱	۱۲	فراوانی	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	جمع
۵۷۹۴	۲۵۷۳	۱۳۷۸	فراوانی	
۱۰۱,۰۱۷				آماره
۰/۰۰۰				سطح معناداری

داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهد ساکنان در مراکز استان‌ها بیشتر از روستاییان و ساکنان سایر شهرها به روش مالی عمل خیرخواهی را انجام می‌دهند و کار داوطلبانه را کمتر از دو گروه دیگر در پیش می‌گیرند، ضمن اینکه کمتر اهدای غذا و کالا را انجام می‌دهند. ساکنان شهرستان بیشتر از دو گروه دیگر کار داوطلبانه و کمتر از دو گروه دیگر کمک مالی و نقدی انجام می‌دهند. ساکنان شهرهای کوچک‌تر بیشتر از روستاییان و ساکنان مراکز استان‌ها سازمان خیریه را تأسیس و مدیریت کرده‌اند. داده‌ها نشان می‌دهد نمی‌توان این ایده را پذیرفت که هرچه اجتماع انسانی دارای تراکم مادی و اخلاقی کمتر باشد، رفتار نیکوکاری کمتر مادی و نقدی می‌شود. نتایج نشان می‌دهد روستاییان بیشتر از اهالی شهرستان کمک مالی و نقدی انجام می‌دهند، اما کمتر از آن‌ها کار داوطلبانه انجام می‌دهند. هرچند درصد بیشتری از افراد ساکن در مراکز استان‌ها نسبت به روستاییان و اهالی شهرستان ترجیح می‌دهند کمک خیرخواهی را به روش نقدی و مالی انجام دهند، اما نمی‌توان این فرض را تأیید کرد که هرچه تراکم مادی و اخلاقی کمتر باشد، کمک‌های خیرخواهانه غیرنقدی یا کار داوطلبانه بیشتر می‌شود. به بیان دیگر وقتی چارچوب بحث از مدل دووجهی روستا-شهر به مدل سه‌وجهی روستا، شهر و شهر بزرگ تغییر می‌کند، تفاوت رفتاری دیگر به شکل قطبی نیست.

علاوه‌براین، داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهد اجتماع انسانی دارای تراکم مادی و اخلاقی متوسط (شهرستان) بیشتر از مراکز استان‌ها و روستاییان روش تأسیس و مدیریت مرکز خیرخواهی را انجام می‌دهند. براساس مدل روستا-شهر، برخی پژوهشگران بر این ادعا بودند که شهرنشینان بیشتر از روستاییان فعالیت خیرخواهانه‌شان را در قالب مراکز نیکوکاری انجام می‌دهند، اما این داده‌ها نشان می‌دهد روش تأسیس و مدیریت خیریه در شهرستان بیشتر از شهرهای بزرگ است.

نکته مهم دیگر که داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد این است که در مجموع درصد کار داوطلبانه خیرخواهانه در هر سه اجتماع انسانی یعنی روستا، شهرستان و شهرهای بزرگ اندک است. بیش از ۸۵ درصد افراد، چه روستایی، چه ساکن در شهرستان یا شهرهای بزرگ ترجیح می‌دهند کمک خیرخواهانه را به صورت نقدی انجام دهند.

۵-۲. ترجیح افراد برای هزینه کرد کمک مالی در تهیه بسته‌های معیشتی

به نظر می‌رسد تهیه بسته‌های معیشتی برای خانواده‌های نیازمند، توجه به ابتدایی‌ترین و ضروری‌ترین نیاز افراد بی‌بضاعت باشد. افراد نیازمندی که به بسته‌های غذایی برای ادامه حیات نیازمندند، در پایین‌ترین سطح طبقه پایین قرار دارند. برخی گمان می‌کنند کمک مالی‌شان باید به دست چنین افرادی برسد و بیشترین خیر در رسیدگی و توجه به ضروری‌ترین نیاز چنین افرادی است. میزان موافقت با تهیه بسته‌های غذایی مانند روغن، برنج و کالاهایی از این دست تا افراد بی‌بضاعت بتوانند حداقل کالری لازم برای زندگی و چه بسا کارکردن داشته باشند، در میان گروه‌های مختلف یکسان نیست. آیا آن‌گونه که تصور می‌شود روستاییان بیشتر از شهرنشینان با کمک نیکوکاری به شکل کمک کالایی موافق‌اند؟ در سؤال قبلی هم به این مسئله تا حدی پرداخته شد، اما در اینجا به گرایش و ترجیح افراد در سه اجتماع انسان پرداخته می‌شود. در جدول ۴ میزان موافقت افراد در سه اجتماع انسانی با تراکم مادی و اخلاقی بیشتر، متوسط و کمتر با تهیه بسته‌های غذایی از محل هزینه کرد پول اهدایشان بیان شده است.

جدول ۴. موافقت پاسخگویان با اهدای کمک مالی در حوزه تهیه بسته‌های معیشتی برحسب زندگی در سه اجتماع انسانی

محل سکونت			توصیف موافقت پاسخگویان با اهدای کمک مالی در حوزه تهیه بسته معیشتی	تهیه بسته‌های معیشتی
مرکز استان	شهرستان	روستا		
۳۲/۵	۲۷/۵	۲۹/۰	درصد	بله
۲۰۱۳	۸۰۷	۴۵۴	فراوانی	
۶۷/۵	۷۲/۵	۷۱/۰	درصد	خیر
۴۱۷۲	۲۱۲۸	۱۱۱۲	فراوانی	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	جمع
۶۱۸۵	۲۹۳۵	۱۵۶۶	فراوانی	
۲۶/۲۳				آماره
۰/۰۰۰				سطح معناداری

داده‌های جدول ۴ نشان می‌دهد کسانی که در مراکز استان‌ها زندگی می‌کنند، بیشتر از روستاییان و ساکنان شهرهای کوچک‌تر با تهیه بسته‌های غذایی از محل کمک مالی‌شان موافقت دارند. تهیه بسته‌های غذایی از محل کمک مالی و اهدای آن به افراد نیازمند برای ساکنان مراکز استان‌ها اهمیت بیشتری دارد. گویی تجربه زیسته ساکنان شهرهای بزرگ‌تر این‌گونه است که افراد در تهیه اقلام غذایی با مسئله مواجه هستند. پس بیشتر با تهیه آن‌ها موافقت دارند. پس نه تنها عمل، بلکه گرایش و ترجیح افراد نیز این‌گونه نیست که افراد هرچه در اجتماع انسانی دارای تراکم مادی و اخلاقی کمتر زندگی کنند، جهت‌گیری آن‌ها در کمک نیکوکاری، کمتر نقدی باشد.

تفاوت درصدها در جدول‌های ۳ و ۴ به این دلیل است که در جدول ۳ از عمل نیکوکاری پرسش شده و در جدول ۴ از ترجیح و گرایش بحث شده است.

۵-۳. تفاوت در فردی یا جمعی بودن عمل خیرخواهی در سه اجتماع انسانی

شاید این نکته مورد اتفاق نظر باشد که کار گروهی و جمعی، آثار و نتایج بیشتر و بهتری به دنبال دارد و به قولی بارآوری زیادتری ایجاد می‌کند. نیروی جمعی تغییرات بزرگ‌تری به بار می‌آورد. در دنیای سنت، فردگرایی کمتر مورد توجه بود و به قول دورکیم روح جمعی و وجدان جمعی بر حیات اجتماعی حاکم بود. در این جوامع، تقسیم‌کار جنبه مکانیکی داشت؛ یعنی تخصصی‌شدن و تمایز چندان توسعه نیافته بود. با تراکم مادی و اخلاقی، تمایز بیشتر و به دنبال آن فردگرایی و تقسیم‌کار تقویت شد. در محیط‌های کاری و شغلی، فردی‌شدن کار و مسئولیت فردی در وظایف شغلی نمود یافته است. هرچند ممکن است افراد زیادی در محیط‌های کاری حضور داشته باشند و تا حدی وظیفه‌شان مرتبط با یکدیگر باشد، درنهایت، کارها و وظایف به شکل فردی دنبال می‌شود. در ابتدای قرن بیستم، تیئوریسم منتهای فردی‌شدن کار بود و تولید انبوه نیز مبتنی بر این بود که امور و وظایف، تخصصی و فردی باشد. هرچند امروزه محیط‌های کاری و شغلی تا حدی از این ایده فاصله گرفته‌اند، اما کماکان این تلقی از مسئولیت و امور وجود دارد.

با گسترش فردگرایی به‌ویژه در محیط‌های کاری و شغلی، مسئله هماهنگی و انطباق به‌وجود آمده است. برای هماهنگ‌سازی وظایف فردی و تخصصی به گروهی مانند سرکارگر، مدیر، ناظر، ارزیاب و... احتیاج است تا کار فردی‌شده بار دیگر هماهنگ شود. مراقبت بر وظایف کاری افراد و همسازی آن‌ها برای ایجاد روح جمعی در کارها به عهده مدیران و سرکارگر و... سپرده شده است. گویی مدیران وظیفه گروهی و جمعی‌کردن کارها را برعهده می‌گیرند. در دنیای جدید، این مدیران هستند که اجتماعی‌کردن فرایند کارها را برعهده دارند. به‌طورکلی، همکاری و کار گروهی و جمعی در دنیای فردگرایی اهمیت بسیاری پیدا کرده است؛ تا حدی که از کار تیمی به‌عنوان مهارت و قابلیتی کمیاب یاد می‌شود. امروزه سعی می‌شود نخست، کارها و وظایف، فردی و تخصصی شود و سپس کار گروهی، همکاری و ایجاد نیروی جمعی در کارها اشاعه یابد.

گروهی و جمعی انجام‌دادن کارها مستلزم هماهنگی بین افراد و لازمه آن صرف وقت و زمان است. این در حالی است که فردی انجام‌دادن کارها در زمانی که اجبار و الزامی در کار نباشد، هزینه هماهنگی ندارد. تشکیل تیم و ایجاد هماهنگی برای فعالیت اجتماعی دشواری‌های زیادی دارد؛ مانند توجیه و ایجاد یک طرح و نقشه برای اجماع بین افراد و سروکله زدن درمورد شیوه و روش‌های انجام کار و از همه مهم‌تر، استمرار و پایداری تیم یا حداقل توقع جمع از فرد برای استمرار. افراد سعی می‌کنند هزینه‌ها مانند هزینه زمان را کاهش دهند. فردی انجام‌دادن فعالیتی مانند کار نیکوکاری و خیرخواهانه که اجبار و الزامی در آن نیست، نسبت به تشکیل تیم هزینه و درگیری کمتری دارد؛ هرچند ممکن است اذعان شود که کار گروهی تأثیرگذارتر است.

اما اینکه افراد به‌صورت فردی، فعالیت‌های نیکوکارانه و خیرخواهی را انجام می‌دهند، بدون اینکه مدیر و مسئولی برای هماهنگ‌سازی در میان باشد، آیا درنهایت به تجمیع کار خیر منجر نمی‌شود؟ لیبرالیسم این ادعا را مطرح می‌کند که اگر کار تیمی و جمعی برعهده یک سازمان مرکزی باشد و گروهی خود را مدیر و هماهنگ‌کننده کار خیر بدانند، نهایتاً چنین کاری به نتیجه لازم نمی‌رسد. اما اگر افراد کار خیر و نیکوکاری خود را مستقل و آزادانه و به شکل فردی انجام دهند، درنهایت دستی نامرئی وجود دارد که چنین فعالیت را هماهنگ می‌کند. زمانی که افراد با سلیقه، ذائقه و درک خود فعالیت خیری انجام می‌دهند، فعالیت‌های فردی هماهنگ می‌شود و روح جمعی شکل می‌گیرد، بدون اینکه فرد یا افرادی عامدانه و از پیش تعیین‌شده بخواهند آن‌ها را هماهنگ کنند و اگر چنین چیزی در میان باشد، فعالیت‌ها از مسیر خود منحرف می‌شود. پس از این منظر، فردی‌شدن کارها مسئله نیست؛ زیرا

در نهایت کارها و فعالیت‌های افراد مطابق سلیقه و نیاتشان بدون هماهنگی متمرکز، در سطح کلان خودانگیخته هماهنگ می‌شود. اینکه فعالیت‌های نیکوکارانه و خیرخواهی فردی دنبال می‌شود، ممکن است این‌گونه تلقی شود که افراد می‌خواهند با این کار تشخص و منزلت یابند و خود را از مجرای چنین فعالیتی بیان کنند و دیده شوند یا ممکن است برعکس باشد؛ افراد با فردی انجام دادن کارهای خیر از تظاهر و دیده شدن پرهیز کنند.

اشاره شد که جامعه‌شناسان کلاسیک بر این باور بودند که هرچه در اجتماع انسانی تراکم مادی و اخلاقی بیشتر باشد، فردگرایی افزون‌تر می‌شود. درحالی‌که برخی پژوهشگران توسعه روستایی مانند لمبتون و راجرز، روستاییان را فردگرا تلقی می‌کنند، پژوهش‌هایی که در ایران روستاییان را فردگرا می‌دانند، به دلیل عدم مشارکت آن‌ها در توسعه (به دلایل متعدد) به چنین نتیجه‌ای رسیده‌اند. اما فردگرایی و جمع‌گرایی در عمل خیرخواهانه و نیکوکاری در این سه اجتماع انسانی چگونه است؟ یکی از سؤالات موج دوم پیمایش ملی گرایش مردم ایران به نیکوکاری این‌گونه طراحی شد: بیشتر ترجیح می‌دهید کار نیکوکارانه را (چه در قالب کمک مالی و چه کار داوطلبانه) به صورت فردی انجام دهید یا به صورت جمعی و گروهی؟ این سؤال از پاسخگویانی پرسیده شد که سابقه فعالیت نیکوکاری داشتند. در جدول ۵ باور و نظر پاسخگویان درباره فردی انجام دادن کار خیر یا جمعی انجام دادن آن در سه اجتماع انسانی بیان شده است.

جدول ۵. توصیف نظر پاسخگویان در مورد جمعی و فردی انجام دادن کار نیکوکارانه بر حسب محل سکونت و وضع فعالیت

محل سکونت			توصیف نظر پاسخگویان در مورد نحوه انجام عمل نیکوکارانه	نحوه انجام عمل نیکوکارانه
مرکز استان	شهرستان	روستا		
۵۹/۸	۵۳/۶	۶۰/۲	درصد	فردی
۳۶۷۲	۱۵۴۴	۹۳۳	فراوانی	
۱۶/۵	۲۲	۱۷/۳	درصد	جمعی
۱۰۱۶	۶۳۴	۲۶۸	فراوانی	
۲۳/۷	۲۴/۴	۲۲/۵	درصد	فرقی نمی‌کند
۱۴۵۴	۷۰۳	۳۴۹	فراوانی	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	جمع
۶۱۴۲	۲۸۸۱	۱۵۵۰	فراوانی	
۴۸/۷۴۶				آماره
۰/۰۰۰				سطح معناداری

براساس دیدگاه جامعه‌شناسان کلاسیک، انتظار می‌رود در روستا فعالیت‌های نیکوکاری و خیرخواهی بیشتر جنبه جمعی داشته باشد و فردگرایی در مراکزی که تراکم مادی و اخلاقی بالاتری دارد، بیشتر باشد. اما داده‌های به دست آمده در پیمایش خلاف انتظار را نشان می‌دهد. روستاییان بیشتر از شهرنشینان ترجیح می‌دهند که فعالیت‌های نیکوکاری را فردی انجام دهند. فقط در حدود ۱۷ درصد روستاییان ترجیح می‌دهند که کار خیر را به صورت جمعی انجام دهند و بیش از ۶۰ درصد آن‌ها ترجیح می‌دهند این کار را فردی انجام دهند. این در حالی است که تمایل به فردی انجام دادن فعالیت‌های نیکوکارانه در شهرستان‌ها کمتر از روستاها و مراکز استان‌ها است.

به عبارتی، ترجیح جمعی انجام دادن فعالیت‌های نیکوکارانه در بین ساکنان شهرستان، بیشتر از روستائینان و ساکنان مراکز استان‌ها است.

نکته مهم این است که وقتی به جای تحلیل براساس روستا-شهر، از مدل سه‌وجهی روستا-شهر و مرکز استان استفاده می‌شود، بسیاری از تحلیل‌هایی که انجام شده نابسند به نظر می‌رسند. داده‌ها نشان می‌دهد برخلاف هردو دسته نظریات، بیشترین عمل جمعی نیکوکاری نه در روستا و شهرهای بزرگ، که در شهرستان‌ها است.

۵-۴. خاص‌گرایی (خویشاوندگرایی) و عام‌گرایی رفتار خیرخواهانه در سه اجتماع انسانی

وجه مشترک همه نظریات و تحقیقات که تفاوت‌گرایی و رفتار در اجتماعات انسانی را بیان کرده‌اند این است که ساکنان مناطقی مثل روستاها که تراکم مادی و اخلاقی کمتر دارند، عام‌گرا نیستند؛ یعنی بیشتر رفتار و نگرش آن‌ها معطوف به آشنایان و همسایه‌ها است؛ درحالی‌که چنین جهت‌گیری‌ای در شهرها کمتر وجود دارد. ناگفته نماند که برخی متفکران بر این ادعا هستند که در شهرها نیز گاهی شاهد محله‌هایی هستیم که بیشتر ساکنان آن از یک روستا هستند، به‌ویژه در حاشیه شهرها. اما در اصل بحث تفاوت چندانی ایجاد نمی‌کند. اگر خاص‌گرایی روستاییان براساس مسئله تفاوت در عمل نیکوکاری دنبال شود، این‌گونه ادعا می‌شود که روستاییان فعالیت خیرخواهانه خود را معطوف به خانواده فامیل و آشنایان نزدیک می‌کنند. این در حالی است که رویکرد عام‌گرایی ساکنان شهرها به این معنا است که عمل نیکوکاری آن‌ها بیشتر شامل غریبه‌ها می‌شود.

در پیمایش ملی‌گرایش مردم ایران به نیکوکاری، از افراد پرسش شد که طی یک ماه اخیر به اعضای خانواده و آشنایان کمک مالی کرده‌اند یا خیر. نتایج در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶. توصیف گویه کمک مالی به اعضای خانواده و آشنایان طی یک ماه اخیر برحسب محل سکونت

محل سکونت			توصیف گویه کمک مالی به اعضای خانواده یا آشنایان طی یک ماه اخیر	کمک مالی به اعضای خانواده و آشنایان
مرکز استان	شهرستان	روستا		
۶۳/۱	۵۶/۳	۵۰/۶	درصد	بله
۳۸۹۹	۱۶۴۶	۷۹۱	فراوانی	
۳۶/۹	۴۳/۷	۴۹/۴	درصد	خیر
۲۲۷۶	۱۲۷۷	۷۷۳	فراوانی	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	جمع
۶۱۷۵	۲۹۲۳	۱۵۶۴	فراوانی	
۲۸/۷۱۶				آماره
۰/۰۰۰				سطح معناداری

داده‌های جدول ۶ نشان می‌دهد ساکنان در مراکز استان‌ها بیشتر از اهالی شهرستان و روستائینان به اعضای خانواده و آشنایان کمک مالی خیرخواهانه کرده‌اند و کمترین درصد با ۵۰/۶ متعلق به مناطقی است که تراکم مادی و اخلاقی کمتری دارد، یعنی روستا. این در حالی است که براساس نظریات و پژوهش‌ها انتظار می‌رود این عمل در روستاها بیشتر باشد. البته براساس داده‌های جدول ۶

نمی‌توان ادعا کرد که ساکنان در شهرهای بزرگ خویشاوندگرا و خاص‌گرا هستند، بلکه می‌توان گفت آن‌ها بیشتر از ساکنان شهرستان و روستا به اعضای خانواده و آشنایان کمک مالی کرده‌اند. اما وقتی از افراد پرسش می‌شود که آیا به افراد غریبه طی یک ماه اخیر کمک مالی کرده‌اند یا خیر، مسئله متفاوت می‌شود.

جدول ۷. توصیف گویۀ کمک مالی به افراد غریبه طی یک ماه اخیر

محل سکونت			توصیف گویۀ کمک به افراد غریبه در یک ماه اخیر	کمک مالی به افراد غریبه
مرکز استان	شهرستان	روستا		
۶۵/۳	۵۹/۳	۴۳/۴	درصد	بله
۴۰۳۸	۱۷۳۷	۶۸۰	فراوانی	
۳۴/۷	۴۰/۷	۵۶/۶	درصد	خیر
۲۱۴۵	۱۱۹۴	۸۸۶	فراوانی	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	جمع
۶۱۸۳	۲۹۳۱	۱۵۶۶	فراوانی	
			۲۵۲/۶۴۷	آماره
			۰/۰۰۰	سطح معناداری

داده‌های جدول ۷ نشان می‌دهد ساکنان در شهرهای بزرگ بیشتر از اهالی شهرستان و روستا کمک مالی خیرخواهانه به افراد غریبه انجام داده‌اند و کمترین میزان کمک به افراد غریبه متعلق به روستاییان بوده است، اما آیا می‌توان ادعا کرد که روستاییان خاص‌گرا و ساکنان در شهرها بزرگ عام‌گرا هستند. با توجه به داده‌های جدول ۷ نمی‌توان چنین ادعا کرد؛ زیرا ساکنان شهرهای بزرگ همان‌قدر که به غریبه‌ها کمک مالی کرده‌اند، همان‌قدر هم به اعضای خانواده و آشنایان کمک مالی کرده‌اند. ضمن اینکه درصد کمتر کمک مالی روستاییان به افراد غریبه هم دلیل محکمی بر خاص‌گرا بودن آن‌ها نیست. به این دلیل که روستاییان اغلب یکدیگر را می‌شناسند و افراد غریبه کمتری در محل سکونت آن‌ها حضور دارد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

همیشه این سؤال در علوم اجتماعی مطرح بوده است که چگونه می‌توان رفتار متفاوت افراد جامعه را توضیح داد. یکی از پاسخ‌ها این است که با توجه به سطح تقسیم‌کار اجتماعی، تمایز یافتگی و تراکم مادی و اخلاقی بیشتر یا کمتر، می‌توان تفاوت رفتاری را درک کرد. به این معنا که هرچه تقسیم‌کار پیچیده‌تر، تمایز یافتگی بیشتر و تراکم مادی و اخلاقی افزون‌تر شود، رفتار افراد نیز متفاوت می‌شود و به سمت فردگرایی بیشتر در امور، عام‌گرایی و توسعه مناسبات پولی گرایش پیدا می‌کند؛ یعنی هرچه از روستا به سمت شهرهای پرجمعیت و مراکز استان‌ها حرکت کنیم، رفتارها احتمالاً در برخی موارد شکل و فرم متفاوتی پیدا می‌کند. مسئله پژوهش این بود که تحقیقات حوزه خیرخواهی در ایران با توجه به سه اجتماع انسانی روستا، شهر و مرکز استان نابسند است و تحقیقاتی که تفاوت‌ها را در سطح ملی بررسی کند وجود ندارد. اغلب تحقیقات در این حوزه یا در یک یا چند روستا و نهایتاً یک شهرستان انجام شده یا اینکه ذیل مفاهیمی مانند مشارکت، یک یا دو سؤال هم درباره عمل نیکوکاری گنجانده شده است. پژوهش‌هایی نیز که بر

عوامل اجتماعی و اقتصادی در کمک خیرخواهانه تمرکز کرده‌اند، بیشتر رابطه متغیرهایی مانند جنسیت، طبقه، تحصیلات، سن، نوع فعالیت و وضعیت دینداری با فعالیت خیرخواهی بررسی شده است.

مفاهیم دوگانه شهر و روستا برای فهم تفاوت رفتار افراد درست اما ناکافی است و تفاوت در رفتار به‌ویژه عمل نیکوکاری را باید براساس سه گانه روستا، شهرستان و مرکز استان بررسی کرد. نتایج حاکی از این است که نمی‌توان گفت هرچه از مراکز دارای تراکم مادی و اخلاقی کمتر مانند روستا به سمت مراکز دارای تراکم مادی و اخلاقی بیشتر حرکت کنیم، فردگرایی افزون‌تر، خویشاوندگرایی کمتر، کار داوطلبانه کمتر و فرم خیرخواهی بیشتر نقدی خواهد بود و برعکس. چارچوب نظری‌ای که جامعه‌شناسان کلاسیک برای فهم تفاوت رفتار در روستا و شهر بیان کرده‌اند نیازمند بازنگری است. هرچند گرایش و رفتار خیرخواهی افراد در سه اجتماع روستا، شهر و مرکز استان متفاوت و تفاوت معنادار است، اما این تفاوت آن قدر زیاد نیست که آن‌ها را در دو قطب مخالف در نظر گرفت.

براساس نظریات و پژوهش‌ها، تصور می‌شد کار داوطلبانه در حوزه خیرخواهی بیشتر در روستاها متجلی شود، اما داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد اهالی شهرستان بیشتر از دو اجتماع دیگر یعنی روستا و مرکز استان عمل نیکوکاری را به شکل داوطلبانه انجام می‌دهند. یافته‌ها نشان می‌دهد تعداد کمی از افراد جامعه در هر سه اجتماع انسانی (کمتر از ۱۲ و گاهی زیر ۱۰ درصد) فعالیت نیکوکاری را در قالب کار داوطلبانه انجام می‌دهند. می‌توان تصور کرد کار داوطلبانه تخصصی گاه می‌تواند به اندازه کمک‌های مالی چند صد تا چندین هزار نفر مؤثر باشد. می‌توان فرض کرد اگر یک پزشک متخصص در ماه یک عمل جراحی خیرخواهانه (کار داوطلبانه تخصصی) انجام دهد که هزینه آن ۳۰ میلیون تومان باشد، به اندازه کمک مالی چندین هزار نفر است. کارهای داوطلبانه تخصصی پزشک، روان‌شناس، معلم، آرایشگر و سایر مشاغل که مبتنی بر مهارت و خدمات تخصصی است، مانند برق‌کار، تأسیسات و... می‌تواند بسیاری از هزینه‌های افراد بی‌بضاعت را کاهش دهد و به اندازه کمک مالی چندین هزار نفر باشد.

براساس نظریه‌ها تصور می‌شد که مناسبات مالی و پولی در حوزه خیرخواهی بیشتر مربوط به شهرهای بزرگ‌تر باشد و روستاییان و ساکنان شهرستان، کمک خیرخواهی را بیشتر در قالب تأمین کالایی انجام دهند. اما نتایج نشان داد روستاییان بیش از اهالی شهرستان کمک خیرخواهانه را به شکل مالی انجام می‌دهند. نمی‌توان با نظریه‌هایی که روستاییان را خویشاوندگرا می‌دانند، حداقل در رفتار خیرخواهانه موافق بود و داده‌ها چنین چیزی را نشان نمی‌دهد، اما براساس نتایج می‌توان گفت سابقه نیکوکاری روستاییان کمتر از ساکنان شهرهای بزرگ است. خلاصه اینکه در تحلیل تفاوت رفتار نیکوکاری نمی‌توان گفت هرچه تراکم مادی و اخلاقی بیشتر باشد، فردگرایی افزون‌تر، خویشاوندگرایی و کار داوطلبانه کمتر و کمک خیرخواهی بیشتر مالی است. این پژوهش تفاوت رفتار خیرخواهی را در سه اجتماع انسانی بررسی کرده است، اما می‌توان تحقیقات دیگری را پایه‌گذاری کرد که تفاوت رفتاری در سه اجتماع انسانی براساس جنسیت، میزان تحصیلات، نوع شغل و سایر متغیرها تحلیل شود.

مأخذ مقاله: تألیف مستقل. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- ازکیا، مصطفی، و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*. تهران: نی.
- ازکیا، مصطفی، و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). *جامعه شناسی توسعه*. تهران: کیهان.
- بهار، مهري، و فروغی، مریم (۱۳۹۷). واکاوی نقش خیریه‌ها در تولید و تداوم فقر زنانه. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۶(۱)، ۲۷-۴۹. <https://doi:10.22059/jwdp.2018.240650.1007268>
- جوانی، خدیجه، بوزرجمهری، خدیجه، شایان، حمید و قاسمی، مریم (۱۳۹۶). وضعیت سازمان‌های مردم‌نهاد در روستاها: فرآیند شکل‌گیری، آثار و پیامدها منطقه مورد مطالعه روستاهای شهرستان رشتخوار، پژوهش‌های روستایی، ۸(۱)، ۱۵۲-۱۶۶.
- حسینی، سید رضا، کاظمی نجف آبادی، مصطفی (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی نهادهای خیریه در ایران با تأکید بر استخراج راهبردها و راهکارهای ارتقای بخش خیریه با استفاده از تکنیک SWOT. *جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی*، ۱۹(۳۷)، ۲۰۳-۲۳۳. [10.30471/iee.2020.6750.1949](https://doi:10.30471/iee.2020.6750.1949)
- دورکیم، امیل (۱۳۸۱). *درباره تفهیم کار اجتماعی*. ترجمه باقر پرهام. تهران: مرکز.
- زیمل، گئورک (۱۳۷۲). *کلان‌شهر و حیات ذهنی*. ترجمه یوسف اباذری. نامه علوم اجتماعی، ۳(۶)، ۵۳-۶۶.
- زیمل، گئورک (۱۳۹۹). *فلسفه پول*. ترجمه شهناز مسمی‌پرست. تهران: پارسه.
- سو، ی، آلوین (۱۳۸۶). *تغییر اجتماعی و توسعه: مروری بر نظریات نوسازی، وابستگی و نظام جهانی*. ترجمه محمود حبیبی مظاهری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سوئدبرگ، ریچارد (۱۳۹۷). *منفعت*. ترجمه حمزه نوذری و علیرضا اسکندری نژاد. تهران: دنیای اقتصاد.
- طالب، مهدی (۱۳۶۷). شیوه‌های همیاری در جامعه روستایی ایران. نامه علوم اجتماعی، ۱(۱): ۱۸۰-۱۶۷.
- طالب، مهدی، نجفی اصل، زهره (۱۳۸۹). آموزه‌هایی از روند مشارکت روستایی در ایران. پژوهش‌های روستایی، ۱(۲)، ۴۸-۲۷.
- عنبری، موسی و مهدی‌زاده اردکانی، محمد (۱۴۰۱). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در تسهیل‌گری و ارتقای تاب‌آوری اجتماعی مناطق روستایی در برابر کم‌آبی (مطالعه موردی موسسه نیکوکاری ابرار در روستاهای شهرستان قاینات). *برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۱۳(۵۳)، ۱-۴۹. <https://doi:10.22054/qjds.2022.63681.2248>
- عنبری، موسی (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی توسعه: از اقتصاد تا فرهنگ*. تهران: سمت.
- عیاری، لیلا، حسینی خواه، علی، موسی پور، نعمت اله و علی عسگری، مجید (۱۳۹۸). واکاوی وضعیت موجود آموزش نیکوکاری در مدارس ابتدایی (مطالعه پدیدارنگارانه)، *مطالعات برنامه درسی*، ۱۴(۵۳)، ۲۷-۵۴.
- فولادیان، مجید (۱۴۰۲). پیمایش ملی گرایش مردم ایران به نیکوکاری. مرکز خیر ماندگار.
- گنجی، محمد، نیازی، محسن، و احسانی راد، فاطمه (۱۳۹۴). مشارکت در امور خیریه و وقف، پیش درآمدی بر توسعه پایدار. *مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، ۳(۴)، ۲۵-۴۵.
- لمبتون، آن. ک. س (۱۳۶۳). *تاریخ ایران بعد از اسلام*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: امیر کبیر.
- مارکس، کارل (۱۳۷۵). *گروندریسه: مبانی نقد اقتصاد سیاسی*. ترجمه باقر پرهام و احمد تدین. تهران: آگه.
- مارکس، کارل (۱۳۷۸). *سرمایه (جلد یک)*. ترجمه ایرج اسکندری. تهران: فردوس.
- محمدی، سیروس (۱۴۰۳). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره متوسطه اول از نظر میزان توجه به مفهوم نیکوکاری. علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۲(۲۶)، ۱۰۱-۱۲۱. <https://doi:10.30497/esi.2024.245630.1724>
- مطیعی لنگرودی، سید حسن و حجتی پور، محمد (۱۳۹۷). الگوی میان کنش کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد با حکمروایی مطلوب روستایی نمونه: دشت حسین‌آباد غیناب در شهرستان سریش، *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، شماره ۵۰، ۱۰۹-۱۲۶.

مولایی، حمیده، سجاسی قیداری، حمدالله و بوزرجمهری، خدیجه (۱۴۰۳). تحلیل نقش نهاد خیریه‌ای امام‌علی (ع) در توسعه اقتصادی- اجتماعی نواحی روستایی شهرستان قائنات. روستا و توسعه پایدار فضا، ۵(۱)، ۷۴-۹۷. <https://doi:10.22077/vssd.2023.6433.1191>

میرزایی، خلیل، آقاسیدحسینی، لیلا و فلاحی، علی (۱۳۹۵). رابطه دینداری و عضویت افراد در شبکه‌های اجتماعی نیکوکاری، دین و ارتباطات، ۲۳(۲)، ۱۴۷-۱۷۴. <https://doi:10.30497/rc.2017.1935>

نوذری، حمزه، اسکندری‌نژاد علیرضا (۱۴۰۳). مسائل سازمان‌های خیریه در ارتباط با دولت و بازار، مسائل اجتماعی/ایران، ۱۵(۲)، ۲۹۹-۲۶۹. <https://doi:10.61186/jspi.15.2.269>

نوذری، حمزه (۱۴۰۳). نحوه مواجهه جامعه‌شناسی با اقتصاد: اقتباس، انتقاد، نوآوری. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۲۵(۱)، ۲۹-۵۰. <https://doi:10.61186/jspi.15.2.269>

نوذری، حمزه (۱۴۰۳). تحلیل نظری منازعه بر سر شکل بیان و نمود خود در جامعه ایران. مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۳(۴)، ۴۵۱-۴۶۸. <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.377779.1516>

References

- Anbari, M. (2011). *Sociology of development from economics to culture*. Tehran: samt. (In Persian).
- Anbari, M. and Mehdizadeh Ardakani, M. (2022). The role of NGOs in facilitating and promoting social resilience in rural areas against water scarcity (Case study of Abrar Charity Institute in the villages of Ghainat city). *Social Development & Welfare Planning*, 13(53), 49-1. doi: 10.22054/qjsd.2022.63681.2248. (In Persian).
- Ayyari, L., Hosseinkhah, A., Mousapour, N. and Ali Asgari, M. (2019). The Evaluation of Present Status of Charity Education in Elementary Schools based on Phenomenological Method. *Journal of Curriculum Studies*, 14(53), 27-54. (In Persian).
- Azkiya, M., Ghafari, Gh. (2004). *Sociology of Development*. Tehran: Keyhan. (In Persian).
- Azkiya, M., Ghafari, Gh. (2005). *Rural Development, Focus on Iran's Rural Community*, Ney Publication. (In Persian).
- Bahar, M. and Foroughi, M. (2018). The role of charities in the production and continuation of women's poverty. *Woman in Development & Politics*, 16(1), 27-49. doi: 10.22059/jwdp.2018.240650.1007268 (In Persian).
- Batson, C. D. (1987). Prosocial motivation: Is it ever truly altruistic? In L. Berkowitz (Ed.), *Advances in experimental social psychology* (Vol. 20, pp. 65-122). Academic Press. Doi: 10.1016/S0065-2601(08)6041
- Bendapudi, N., Singh, S. N., & Bendapudi, V. (1996). Enhancing helping behavior: An integrative framework for promotion planning. *Journal of Marketing*. 60(3), 33-49. Doi: 10.2307/1251840.
- Burnkrant, R. E., & Page, T. (1982). An examination of the convergent, discriminant, and predictive validity of Fishbein's Behavioral Intention Model. *Journal of Marketing Research*. 19(4), 550-561. Doi: 10.1177/002224378201900414.
- Cermak, D. S. P., File, K. M., & Prince, R. A. (1994). A benefit segmentation of the major donor market. *Journal of Business Research*, 29(2), 121-130. Doi: 10.1016/0148-2963(94)90016-7.
- Durkheim, E. (2002). *The Division of Labour in Society*. Translate by: B. Parham. Tehran: Markaz. (In Persian).
- Eckstein, S. (2001). Community as Gift-giving: Collectivistic of Volunteerism. *American Sociological Review*, Vol. 66, No. 6 (Dec., 2001: 829-851
- Enete, SH. Heckman, S. Lawson.D. (2021). Financial Attitudes and Charitable Giving. *Journal of Financial Counseling and Planning*, Vol, 31(1):104-115.
- Fooladian, M. (1402). *National Survey of Iranian People's Attitudes to Charity*. Enduring Charity Center. (In Persian).
- Ganji, M. Nyazi, M. Ehsanirad, F. (2015). Participation in charity work and dedication, *a prelude to sustainable development*, 3 (4) :25-45 (In Persian).

- Hosseini, S. R., & Kazeminajafabadi, M. (2022). Pathology of charity organizations in Iran; With an emphasis on extracting strategies and policies to promote the charity sector using the SWOT technique. *Journal of Economic Essays: an Islamic Approach*, 19(37), 203-233. doi: 10.30471/iee.2020.6750.1949 (In Persian).
- Javani, K. , Bozarjmehri, K. , Shayan, H. and Ghasemi, M. (2017). Development, Effects, and Outcomes of NGOs in Villages of Roshtkhar County: A Case Study. *Journal of Rural Research*, 8(1), 152-167. (In Persian).
- Lambton, A. K. S. (1984). *History of Iran after Islam*. Translated by: Y. Ajhand. Tehran: AmirKabir. (In Persian).
- Mahmoudi, S. (2024). Evaluating Junior High School Textbooks in Terms of Attention to the Concept of Charity. *Islamic Perspective on Educational Science*, 12(26), 101-121. doi: 10.30497/esi.2024.245630.1724. (In Persian).
- Marx, K. (1996). *Grundrisse; Foundations-of-the-critique-of-political-economy*. Translate by: B. Parham, & A. Tadayon. Tehran: agah. (In Persian).
- Marx, K. (1999). *Capital*. Translate by: E. Eskandari. Tehran: ferdous. (In Persian).
- Mirzaei, K. , Aghahasani, L. and fallahi, A. (2017). The Impact of Religiosity on Membership in Charitable Social Networks. *Religion & Communication*, 23(2), 147-174. doi: 10.30497/rc.2017.1935. (In Persian).
- Molaei, H. , Sojasi Gheidari, H. and Bozerjemari, K. (2024). Analysis of the Role of Imam Ali (AS) Charity Institution in the economic-social Development of rural areas in Qaenat County. *Village and Space Sustainable Development*, 5(1), 74-97. doi: 10.22077/vssd.2023.6433.1191. (In Persian).
- Motiee Langroudi, S. H. and hajipour, M. (2018). The Modeling of Interaction between NGOs Function and Rural Optimal Governance Case: plain of Hossein-Abad Ghinab in Sarbisheh County. *Geography and Development*, 16(50), 109-126. doi: 10.22111/gdij.2018.3561. (In Persian).
- Nozari H, Eskandarinejhad A. (2024). The Problems of Charities in Relation with the State and the Market. *Social Problems of Iran*. 15(2), 269-299. doi:10.61186/jspi.15.2.269. (In Persian).
- Nozari, H. (2024). How the founders of sociology confronted economics; from adaptation to criticism. *Iranian Journal of Sociology*, 25(1), 29-50. doi: 10.22034/jsi.2024.2037706.1738 (In Persian).
- Pessemier, E. A., Bemmaor, A. C., & Hanssens, D. M. (1977). Willingness to supply human body parts: Some empirical results. *Journal of Consumer Research*, 4(3):131-140. Doi: 10.1086/208688.
- Nozari, H. (2024). Theoretical Analysis of the Conflict over the Form of Articulation and Self-Presentation in the Iranian Society, *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 13(4): 451- 468. <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.377779.1516>
- Simmel, G. (1993). *The metropolis and Mental life*. Translate by: Y. Abazari. *Sociological Review*, 3(6), 53-66. (In Persian).
- Simmel, G. (2020). *The Philosophy of Money*. Translate by: Sh. Mosammaparast. Tehran: Parse. (In Persian).
- So, Y. A. (2007). *Social Change and Development: A Review of Theories of Modernization, Dependency, and the World System*. Translated by: M. H. Mazaheri. Tehran: Institute for Strategic Studies. (In Persian).
- Swedberg, R. (2018). *Interest*. Translate by: H. Nozari & A. Eskandarinejad. Tehran: Donyaye eghtesad. (In Persian).
- Taleb, M. (1988). The Ways of Cooperation in Iran Rural Community, *Namehye-olum-E Ejtemai*, No, 1:167-180 (In Persian).
- Taleb, M. and najafi asl, Z. (2010). Doctrines of Rural Participation Trend in Iran. *Journal of Rural Research*, 1(2), 27-48. (In Persian).
- Webb, D. J., Green, C. L., & Brashear, T. G. (2000). Development and validation of scales to measure attitudes influencing monetary donations to charitable organizations. *Journal of the Academy of Marketing Science*, 28(2), 299. Doi: 10.1177/0092070300282010.